

## تحلیلی بر رویکرد های مدائنی (م ۲۲۵ق) در نگارش تاریخ

حسین مرادی نسب<sup>۱</sup>

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

### چکیده

مدائنی از مؤلفان اخباری قرن سوم هجری، معاصر با جاحظ و هشام کلبی است که دانش گسترده وی و نبوغ علمی اش در تدوین موضوعات مختلف تاریخی بروز و ظهور داشته است. روش وی برای ثبت برخی از وقایع تاریخی جدید و نو بوده و گنجینه‌ی ارزشمندی را برای نسل‌های آینده حفظ کرده است. وی با نگارش در موضوعات مختلف توانسته گونه‌های دیگری را بر تاریخ نگاری اسلامی بیافزاید. در این تحقیق با روش تحلیلی و مطالعه منابع کهن به تحلیل داده‌های اطلاعات به رویکرد مدائنی در تألیفاتش پرداخته است. اساس رویکرد مدائنی بر پایه باورهای دینی، مذهبی، تاریخی و اجتماعی است که مسئولیت‌پذیری وی در قبال جامعه آن عصر سبب تدوین در موضوعات مختلف شده است. مقاله در پاسخ به این سوال است که مدائنی چه رویکردی در نگارش تاریخ داشته و چه شاخه‌های جدیدی در تاریخ نگاری اسلامی ایجاد کرده است؟ نتیجه آنکه وی با رویکردی نو به مباحث جدیدی در سیره‌نگاری نبوی و امامان شیعه (ع) توجه کرده و همچنین با توجه به مردم‌شناسی و مسائل اجتماعی درباره‌ی خواص جامعه، دشمن‌شناسی و زنان نگارش‌هایی داشته است که در گسترش تاریخ‌نگاری اسلامی تاثیر به سزایی داشته است. تجلی یافته است.

**واژگان کلیدی:** مدائنی، تاریخ نگاری اسلامی، سیره نبوی، تاریخ اجتماعی

<sup>۱</sup> استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گروه تاریخ. hmoradi@rihu.ac.ir

## مقدمه

تألیفات گوناگون محدثان و اخباریان سه قرن نخست در موضوعات مختلف، نشان از رویکرد و توجه آنان به نیازسنجی جامعه و مردم هم‌عصرشان دارد. این میراث مکتوب اسلامی به خصوص در تکنگاری به جهت گستردگی که دارد گاه به دلایل مختلف به فراموشی سپرده شده است که باید پژوهشگران آن میراث مکتوب را احیا و بازسازی نمایند، زیرا بیشتر مؤلفان بعدی، از آن تکنگاری‌ها برای تکمیل تواریخ عمومی از آنها استفاده کرده و از آنها یاد کرده‌اند. در حقیقت این میراث مکتوب، میراث فرهنگ و تمدن اسلامی گرانسنگی است که محدثان و مؤرخان در حفظ و ثبت آن دقت داشته تا آنها را به نسل‌های آینده انتقال دهند.

از این رو محدثان و اخباریان با گرایش‌های مختلف مانند ابن‌اسحاق (م ۱۵۰ق)، واقدی (م ۲۰۷ق)، هشام کلبی (م ۲۰۶ق) و مدائنی آثار بسیاری تألیف کرده‌اند که برخی از آثار و گزارش‌ها آنها همچنان در آثار مؤلفان پس از آنان باقی مانده است. مدائنی از جمله مؤلفان پرتألیفی است که بر اثر عواملی آثارش از بین رفته است و تنها نام آثارش در برخی کتابهای مانند فهرست ندیم (م ۳۸۱ق)، معجم‌الادباء حموی (م ۶۲۶ق)، الوافی بالوفیات صفدی (م ۷۶۲ق)، ایضاح‌المکنون و هدیه‌العارفین باشا بغدادی (م ۱۳۳۹ق)، الذریعه آغا بزرگ طهرانی (م ۱۳۸۹ق) و منابع دیگر آمده است؛ اما مؤلفان پس از مدائنی به اخبار وی در کتاب‌های خود استناد کرده و گاه از کتاب او یاد کرده‌اند. اهمیت این موضوع به جهت مدائنی است که نقش تأثیرگذاری در تنوع تاریخ‌نگاری اسلامی ایجاد کرده است. از این روی ضرورت داشت تا به رویکرد وی به تاریخ پرداخته و تبیین گردد. جمع‌آوری گزارش‌های مدائنی در مجموعه‌ای و قرار دادن آنها در موضوعات خود کمک بزرگی به پژوهشگران است تا به سهولت بتوان آنها را مورد ارزیابی قرار داد.

توجه به این نکته لازم است که محدثان و اخباریان قرون نخستین هر یک به اندازه خود در تشکیل گونه‌های تاریخ‌نگاری سهم داشته‌اند. مکتب مدینه نگاهی حدیثی داشته و در نگارش‌هایشان بیشتر به شخصیت پیامبر(ص) از ابعاد مختلف پرداخته‌اند؛ اما مکتب عراق بیشتر به اخبار فتوح، اخبار قبائل و ادبیات توجه داشتند. افرادی مانند واقدی، هشام کلبی، جاحظ (م ۲۵۵ق) و محمد بن حبیب بغدادی (م ۲۴۵ق) که معاصر با مدائنی بودند؛ اما مدائنی با نوآوری و ابتکار به تألیفات در برخی از موضوعات پرداخت و به بسط و گسترش تمدن اسلامی کمک کرد. رویکرد مدائنی بر اساس نگاه وی به مذهب، تاریخ، فرهنگ و اجتماع جامعه است که در باره آنها رساله‌هایی تدوین کرده است. برخی از پژوهشگران بسیاری از نوشته‌های مدائنی را در باره تاریخ، اخبار، شعر و شاعران دانسته است؛ (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۴۲) اما باید گفت که وی افزون بر آنها بر موضوعات دیگر از جمله مانند نسب، قبایل و شخصیت‌ها نیز کتاب نوشته است.

در باره پیشینه این موضوع باید گفت که تاکنون مقاله‌ای با عنوان فوق نگاشته نشده است. اگر چه مقالاتی و کتابهایی درباره مدائنی با عناوین مشخص نوشته شده است که با عنوان مقاله ارتباطی ندارد از جمله آنها: مقاله‌ای با عنوان «ابوالحسن مدائنی و آثار او در باره زنان» (جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۳۰۵-۳۱۲)؛ «فتوح خراسان مدائنی کتابی کهن در تاریخ خراسان» (قنوات، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱-۱۳۴)؛ «نقد و بررسی روایات ابوالحسن مدائنی در تاریخ طبری» (سالاری، ۱۳۹۰ش، ص ۴۹-۷۲)، کتابی با عنوان «شیخ الاخباریین، ابوالحسن المدائنی» (بدری محمد فهد، ۱۹۷۵م)؛ همچنین کتابی با «عنوان اخبار اهل بیت (ع) در میراث مکتوب مدائنی» (مرادی نسب، ۱۳۹۶) نگاشته شده و نشر یافته است. امتیاز این پژوهش نسبت به آثاری که گذشت، این است که با یک نگاه جدید تحلیلی بر رویکردهای مدائنی بر نگارش تاریخ پرداخته است.

در توضیح مفاهیم واژه «رویکرد» باید گفت که رویکرد فرد به تاریخ، یعنی جهت‌گیری فرد نسبت به موضوعی خاص. در حقیقت رویکرد تاریخی یک روش‌مندی در تاریخ‌نگاری اسلامی است. رویکردهای مدائنی در جمع‌آوری و دسته‌بندی جدید وی، در جمع‌آوری اخبار سیره، حوادث، ادبیات و مانند آن، نشان از انواع تاریخ‌نگاری اسلامی در آثار او است که به آنها پرداخته است. منظور از واژه «تاریخ» همان حوادث و رخداد‌های تاریخی است که گاه در قالب شخصیت‌ها، سیره پیامبر (ص)، تاریخ خلفاء، احداث، قبایل، فتوحات و موارد دیگر شکل گرفته است که مدائنی درباره آنها رساله‌هایی نگاشته است، می‌باشد. پیش از ورود به بحث به شخصیت مدائنی پرداخته می‌شود.

### شخصیت مدائنی

علی بن محمد مکنی به ابوالحسن و از موالی عبدالرحمان بن سمره، (ابن سعد، بی تا، ج ۷، ص ۱۵) بود. وی در سال ۱۳۵ هجری در بصره به دنیا آمد و در همانجا بزرگ شد، سپس به مدائن رفت و در آنجا سکنی گزید. به همین جهت به مدائنی شهرت یافت. (سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۳۱) وی در آخر عمر به بغداد بازگشت و در همانجا ساکن شد و در سال ۲۲۵ هجری درگذشت. (بغدادی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۵۵) وی به شهرها مسافرت کرد و از اساتید بزرگ زمان خود دانش آموخت. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۴۰۱ - ۴۰۲) مدائنی با دانش و آگاهی فراوانی که داشت، برخی وی را فرد خلاق و متبحر در نگارش برخی از موضوعات دانسته‌اند. وی توانست شاگردان بسیاری از جمله: زبیر بن بکار، احمد بن الحارث خزار و الحارث بن ابی اسامه و افراد دیگری را تربیت نماید. (بغدادی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۵۵).

مدائنی از مردم بصره، و به مذهب عثمانی شناخته می‌شد، زیرا بیشتر اهالی آنجا به جهت دفاع از خون عثمان، عثمانی شناخته می‌شدند. مدائنی چون از اهالی آنجا، و تحت تأثیر عوانه بن حکم استادش - که او نیز عثمانی بود به مذهب عثمانی شناخته می‌شد.

(حموی، بی تا، ج ۱۶، ص ۱۳۶ و ۱۳۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۲۰۱؛ ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۸۶) اغلب محدثان تحت تاثیر گرایش‌های سیاسی جامعه‌ی خود بودند، برای مثال مردم بصره تحت تاثیر گرایش عثمانی، در جنگ جمل شرکت کردند. در مقابل، مردم کوفه گرایش علوی داشته و در رقابت با مردم بصره بودند. مردم مدینه و مکه پیرو شیخین و مردم شام گرایش اموی داشتند. (جعفریان، ۱۳۸۷ش، ص ۵۱)

برخی مدائنی را با عناوینی چون راستگو (بغدادی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۵۵) و ثقه (یحیی بن معین، بی تا، ص ۱۷۷) ستوده‌اند و برخی فقط از وی حدیث نقل کرده‌اند. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۴۰۱) ابن تغری (م ۸۷۴ق) او را عالم، حافظ و ثقه شمرده است. (ابن تغری، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۹) برخی گفته‌اند که برای آگاهی و اطلاع گسترده از اخبار اسلام باید به نوشته‌های مدائنی مراجعه کرد (بغدادی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۵۵؛ سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۴۷) و همین رجوع سبب ماندگاری آثار وی در دانش تاریخ‌نگاری اسلامی شد. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۴۰۱) به سبب حجم زیاد نگاهشده‌های وی به ایشان لقب «شیخ الاخباریین» دادند. (بدری، ۱۹۷۵م، ص ۱۵) در مقابل برخی او را مذمت کرده که او محدث نبوده و فقط صاحب اخبار بوده که روایات مسند او کم می‌باشد. (ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۵۳) برخی وی را بیشتر ثناگوی امویان دانسته‌اند (حموی، بی تا، ج ۱۶، ص ۱۲۴ و ۱۳۷؛ ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۸۶ و ۲۵۳) که برای حاکمان بنی‌امیه خبر جعل می‌کرد، و آنان او را به سبب جعل اخبار گرامی داشتند، زیرا عثمانی مذهب وی همراهی با آنان بود در حالی که او در عصر عباسیان می‌زیسته است. طوسی (م ۴۶۰ق) او را مجهول و ناشناخته می‌داند. (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۳۱۳) مسعودی (م ۴۳۵ق) مدائنی را راوی صاحب نظر نمی‌داند. (مسعودی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۰۹)

البته ناگفته نماند که اطلاعات بی‌نظیر و جدید وی سبب شد تا او را از مؤلفان برجسته بشمارند که شناخت کامل به رخدادهای تاریخی در هر موضوعی داشته است. (بغدادی،

۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۵۵؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۴۰۱) حجم وسیع گزارش‌های تاریخی او نشان از دانش گسترده، نبوغ علمی و تخصص او دارد که توانسته رویکرد دینی، سیاسی، اجتماعی خود را در موضوعات مختلف نشان دهد و آنها را دسته‌بندی و برای آنها زیرشاخه‌هایی تدوین نماید. (ر.ک: ندیم، بی تا، ص ۱۱۱) ندیم ۲۳۶ کتاب از مدائنی نام برده است (مرادی نسب، ۱۳۹۶، ص ۳۲۴-۳۰۹) که در نوع خود بی نظیر است.

با بررسی کتابهای فهرست مانند ندیم، حموی، صفدی و دیگران و از لابلای متون منابع دیگر می‌توان بر تعداد دیگر از نام تألیفات مدائنی دست یافت که مجموع نگاشته وی به دویست و شصت و سه عدد می‌رسد. (همو) می‌توان با رجوع به گزارش‌های متعددی که دیگران مانند ابن سعد، بلاذری، طبری (م ۳۱۰ق)، ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، ابن جوزی (م ۵۹۸ق)، ابن ابی الحدید (م ۶۵۶ق)، ذهبی (م ۷۴۸ق)، ابن کثیر (م ۷۷۴ق) و دیگران در دوره‌های بعد از مدائنی آورده‌اند به رویکرد وی پی برد. □ در عین حال برخی از گزارش‌های وی قابل نقد و بررسی است.

وی از تخصص محدثان و اخباریان گذشته خود از جمله: عوانه بن حکم (م ۱۴۷ق)، ابومخنف (م ۱۵۷ق)، واقدی (م ۲۰۷ق)، هشام کلبی (م ۲۰۶ق) و ابوعبیده معمره بن مثنی (م ۲۰۹ق) و بسیاری از مشایخ خود بهره است. سیاست، فرهنگ و اعتقادات غالب جامعه قرن سوم و محتوی تألیفات گذشتگان سبب شد تا مدائنی ادامه دهنده راه پیشینیان در تدوین همان موضوعات باشد و در برخی از موارد نوآوری‌های در تدوین داشته باشد. که هر یک از آنها در تکمیل گونه‌های تاریخ‌نگاری کمک کرد که این تدوین‌ها برخاسته از رودیکر او در تاریخ‌نگاری اسلامی است. نگارش‌های مختلف، رویکرد مدائنی را در روش و شیوه تدوین از نظر متن و محتوا بیان کرده است و مؤلفان بعدی به پیروی از او رساله‌هایی نگاشته‌اند. از این روی رویکرد وی حاکی از وقایع گذشته و تحولات آن است که در بافت تاریخی، اجتماعی و فرهنگی جامعه شکل گرفته است و مؤلف متأثر از آن نظام ارزشی و

فکری است که در تدوین موضوعات مختلف نقش داشته است. از این روی در اینجا به برخی از رویکردهای او به نگارش تاریخ اشاره می‌شود.

### ۱) رویکرد مدائنی به پیامبر (ص) و امامان شیعه (علیهم السلام)

وی از محدثانی است که در نگارش رخدادهای تاریخی به صورت خاص به جزئیات توجه داشته و تک‌نگاری‌هایی نو و جدید خلق کرده است. رویکرد وی بر پایه باورهای دین است از جمله به سیره‌نگاری پیامبر (ص) که آخرین پیامبر الهی است، توجه ویژه‌ای داشته است و شخصیت رسول اکرم (ص) را از زوایا مختلف جداگانه و مستقل بررسی کرده است. رویکرد جدید وی نسبت به تدوین برخی از موضوعات نسبت به آن رسول الهی است که محدثان دیگر چندان به آنها توجه‌ای نداشته‌اند. وی در باره اهل بیت (ع) و برخی از رخدادهای در قالب شخصیت‌ها به نگارش پرداخته است که در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌شود:

#### ۱-۱) توجه به رسول خدا (ص)

وی به ابعاد مختلف شخصیت رسول خدا (ص) پرداخته و با رویکرد دینی و مذهبی که داشته شخصیت ایشان را روایت کرده است. با آنکه حوادث دوران حیات پیامبر (ص) از سوی بسیاری از سیره‌نگاران محدث و اخباری در سه قرن نخست به صورت کلی و در مجموعه‌ای با عنوان سیره پیامبر (ص) نگاشته شده است، اما مدائنی به طور تخصصی از جهات مختلف به موضوعات ریز آن پرداخته است. مدائنی به جهت اهمیت موضوع، جزئیات رخدادهای عصر پیامبر (ص) را جداگانه تالیف کرده که ندیم در بیست و هفت عنوان در «اخبار النبی (ص)» آورده است. ii این عناوین نشان از رویکرد و انگیزه وی برای شناساندن چهره‌ی کامل و درست از پیامبر اکرم (ص) به جامعه‌ی عصر خود دارد که قرآن ایشان را به عنوان الگو معرفی کرده است. (احزاب، ۲۱) وی نخستین فردی از هم عصران خود است که کتاب‌های مستقل در برخی از موضوعات درباره پیامبر اکرم (ص) نوشت، در

حالی که معاصران وی توجه به این ریز موضوعاتی که او نگاشته، نداشته‌اند. به عنوان نمونه «کتاب إقطاع النبی» (ندیم، بی تا، ص ۱۱۳؛ حموی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۳۰؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۲۹) سیره‌ی بخشندگی رسول (ص) را از منظری خاص به نظاره نشسته است. در این اثر، مدائنی بیشتر در جهت سیره اقتصادی رسول خدا (ص) نظر داشته است و سخاوت رسول خدا (ص) را برای مخاطب پر رنگ می‌کند. این موضوع امروز می‌تواند برای کارگزاران اسلامی در سی با شد و کسائی که قدرت خرید زمین و مسکن را ندارد دولت اسلامی می‌تواند زمین در اختیار آنان قرار دهد تا برای خود مسکن بسازند. مورد دیگر مدائنی در «کتاب تسمیه الذین یوذون النبی(ص)» (ندیم، بی تا، ص ۱۱۳؛ حموی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۳۰) با آوردن نام کسانی که پیامبر (ص) را با گفتار و افعال خود مورد اذیت قرار می‌دادند، در حقیقت به نوعی، به مخاطب خود دشمن‌شناسی را تعلیم می‌دهد، که این می‌تواند برای جامعه امروز ما آگاهی‌بخش باشد. مدائنی با نگارش «کتاب دعا النبی» (همان‌ها) در پی آن بوده تا برای افراد و اصناف مختلف مردم دعا کرده و برای آنان طلب سلامتی و برکت کرده، را در این کتابچه آورده است. در حقیقت نوعی تعلیم و آموختن دعا به اقشار مختلف مردم است که چگونه آنان از خداوند درخواست داشته باشند. باید متذکر شد که آیاتی در قرآن است که خود به نوعی به تعلیم دعا برای مخاطب پرداخته است.

وی نیز برای نخستین بار کتابی با عنوان «آیات النبی (ص)» نگاشت و در آن با برجسته کردن نشانه‌ها و معجزات پیامبر(ص) (ندیم، بی تا، ص ۱۱۳) به پاسخگویی شبهات کافران و مشرکانی که پیامبر (ص) را ساحر و جادوگر می‌خواندند، پرداخت. این نوع رویکرد به سیره رسول اکرم (ص) سبب شد تا مولفان پس از وی نیز با نگاهی نو به مساله نبوت پیامبر (ص) بپردازند. از جمله ابوحاتم رازی ابن حمدان (م ۳۲۲ق) و ماوردی (م ۴۵۰ق) با نگارش کتاب «أعلام النبوة» و بیهقی (م ۴۵۸ق) با تدوین «دلایل النبوة» و قطب راوندی (م ۵۷۳ق) با تألیف «الخرائج والخراج» و ثعالبی (م ۸۷۵ق) با اثر جامع خود با نام «الأنوار فی آیات النبی



المختار» معجزات آن حضرت را مورد توجه قرار دادند. (باشا بغدادی، بی تا، ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۱۴۵)

مدائنی در راستای رویکرش به دسته‌بندی جدید در جمع آوری اخبار سیره، کتابی مستقل با عنوان «صلح النبی (ص)» (ندیم، بی تا، ص ۱۱۴)، «کتاب المغازی» و کتاب سرایا النبی (ص) تألیف کرد. (ندیم، بی تا، ص ۱۱۴) که نشانگر دفاع مسلمانان در برابر هجوم مشرکان و مقابله با آنان بوده است. لازم به یادآوری است که خداوند در قرآن (توبه، ۴ و ۵) به پیامبر (ص) دستور داد که برای بازنگری مشرکان که پیمان عهد خود را شکستند، به مدت چهارماه به آنان مهلت داده شد تا حق را بشناسند.

برخی از مؤلفان که در ضمن گزارش‌ها از بعضی از کتاب‌های مدائنی نام برده‌اند، به عنوان نمونه: ابن سعد (بی تا، ج ۱، ص ۲۸۲) از کتاب رسل النبی؛ بلاذری (۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۴۲: طبع زکار، ج ۲، ص ۲۰۹) از کتاب النساء اللاتی لم یکن مستترات؛ ابن ابی الحدید (۱۳۷۸، ج ۹، ص ۹۷) از کتاب الفتوح.

## ۱-۲) توجه به امامان شیعه (ع)

رویکرد وی نسبت به امامان شیعه سبب شد تا درباره‌ی اهل بیت کتابی با عنوان «اخبار اهل بیت (ع)» بنویسد. (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۶، ص ۲۹۱؛ زرندی، بی تا، ص ۸) او گزارش‌های متعدد و متنوعی از امام علی (ع)، امام حسن (ع) - به خصوص ایام خلافت ایشان - و امام حسین (ع) - به ویژه حوادث کربلا - و برخی امامان دیگر را نقل کرده با آنکه عثمانی بود. این نوع نگارش ناشی از رویکرد وی نسبت به امامان شیعه (ع) است و در باره این بزرگواران رساله‌هایی تدوین کرده یا اخبار آنان را گزارش کرده است که به نوعی این تدوین‌های روشنگریانه و آگاه‌هانه است. به عنوان نمونه وی علی (ع) را زینت خلافت (امین، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۳) و ایشان را آگاه‌ترین و عالم‌ترین افراد می‌دانست. مدائنی برای این گفته خود، به خطبه امیرالمومنین (ع) تمسک می‌کند که فرمود: اگر میان اهل تورات، انجیل و فرقان

باشم با کتاب آنان حکم خواهم کرد و هر آیه‌ای از کتاب خدا که نازل شده را می‌دانم که در چه زمانی و برای چه کسی نازل شده است. (همو، ص ۳۴۵) وی با نگاهی متفاوت، پیمان مواخات میان پیامبر (ص) و علی (ع) را ذکر کرده (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۵-۱۴۴) و دوستی میان رسول اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) را به مخاطب نمایش می‌دهد. وی با نقل ماجرای مبارزه امیرالمومنین (ع) و عمرو بن عبدود و بیان جملات خواهر وی خطاب به امیرالمومنین را گزارش می‌کند □□□ و با نقل این ماجرا شرافت و جایگاه امیرالمومنین علی (ع) را در میان دشمنانش برجسته می‌کند. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۰۹) وی سخن رسول اکرم (ص) درباره امیرالمومنین که فرمود: هرکس علی را اذیت کند، مرا اذیت کرده را آورده است. (بلاذری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴۶) هم‌چنین وی به تهدید خلیفه دوم در آتش زدن درب خانه فاطمه زهرا (س) اشاره کرده است. (همو، ص ۲۶۸). همانطور که گفته شد به برخی از گزارش‌های وی در باره امامان (ع) نقد جدی وارد است، اما در عین حال بسیاری از حقایق تاریخی را می‌توان از لابلای همین گزارش‌های مدائنی به دست آورد.

مدائنی آثار متعددی از جنگ‌های امیرالمومنین علی (ع) نگاشته است. آثاری چون کتاب *جمل*، *کتاب الغارات*، *کتاب نهروان*، *خوارج*، *کتاب وقعه صفین* نشان دهنده نگرش مثبت او به امیرالمومنین (ع) را می‌رساند. به عنوان نمونه مدائنی به جزئیات مهمی از جنگ جمل - مانند بیعت مردم با حضرت علی (ع)؛ عدم بیعت برخی از انصار؛ خطبه حضرت هنگام خروج از مدینه؛ واکنش حضرت نسبت به خروج طلحه و زبیر از مدینه، پیمان شکنان در بصره، شکنجه کردن عثمان بن حنیف والی بصره به دست پیمان شکنان (ناکثین)، درگیری حَکَم بن جَبَله با سپاه جمل در بصره، اختلاف افتادن در امامت نماز میان ناکثین، نامه کمک خواستن عائشه از زید بن صوحان و جواب ایشان، دستور علی (ع) به کشتن شتر عائشه و سیره آن حضرت در این جنگ - پرداخته است. در «وقعه صفین» مکاتبات میان حضرت علی (ع) و معاویه، شکوه علی (ع) به اشتر از تنها گذاشتن وی، مکاتبه حضرت با محمد بن

ابی بکر والی مصر، شهادت مالک اشتر، لعن قاتلین مالک از سوی علی(ع)، ماجرای حکمیت، مشاوره معاویه از مغیره بن شعبه برای جلب زیاد بن ابیه و موارد دیگر را بیان کرده است. (مرادی نسب، ۱۳۹۶، ص ۱۷۱-۱۹۹) وجود این گزارشات توجهی وی با عثمانی بودنش، گرایش وی را به اهل بیت(ع) نشانگر رویکرد وی در تاریخ است که تألیفاتی در باره آنان نگاشته است، یا باید او را تاریخ نگاری منصف دانست، زیرا نگارش چنین تألیفاتی با دیدگاه عثمانی مذهبیش در تضاد است. در عین منصف بودنش اخباری در باره امویان و گزارش‌هایی در باره اهل بیت (ع) آورده است که این گزارش‌ها پذیرفته نیست و قابل نقد است.

وی توجه‌ای ویژه‌ای به ثبت حوادث تاریخ امامان شیعه(ع) داشته است. از جمله وی حوادث در باره شهادت و پس از شهادت علی(ع) (بلاذری، ۱۴۱۷، ص ۴۸۷-۴۴۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۲۸۷) و بیعت مردم با امام حسن(ع)، مظلومیت و شهادت ایشان را گزارش کرده است. یا وی حرکت شیعیان و نامه‌های آنان به امام حسین(ع)، نامه‌های امام به معاویه، اعتراض عائشه به قتل حجر بن عدی، شهادت امام حسین(ع) و اهل بیتش شرایط سخت امامان معصوم و پیروانشان را ثبت کرده است. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۴۵، ج ۴، ص ۵۸۳ و ۵۸۴؛ مرادی نسب، ۱۳۹۶، ص ۲۶۴-۲۷۴ و ۲۷۵-۲۷۹) کتاب «مقتل الحسین(ع)» وی، نشانگر اهمیت او به تاریخ این امام است. (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۹؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ص ۱۰۷). در منابع پس از وی گزارش‌های کتاب «مقتل الحسین» را بدون ذکر نام مدائنی در آثار خود آورده‌اند که این می‌تواند به خاطر اتهام عثمانی مذهب بودن وی باشد. مدائنی در اثری جداگانه و نوی «کتاب اسماء من قُتِلَ مِنَ الطَّالِبِينَ» (ندیم، بی تا، ص ۱۱۴) را در وصف مصائب و شهادت علویان نگاشته است □□ که به دست حاکمان جور به زندان افتادند و جان سپردند و یا با شکنجه به شهادت رسیدند را ثبت کرده است.

سخن دیگر آن است که نویسندگانی مانند مدائنی و و واقدی را پیشگام در نقل اخبار مطلق بودن امام حسن (ع) دانسته‌اند. ابن سعد (بی تا، ج ۱، ص ۲۹۰، ۳۰۱- ۳۰۷) و بلاذری (۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۶، ۲۰- ۲۵) اخباری را درباره مطلق بودن امام حسن (ع) از مدائنی، واقدی و دیگران نقل کرده‌اند. این گزارش‌ها از جهت سند و متن مورد نقد نویسندگان قرار گرفته است (مرتضوی، ۱۳۸۶، شماره ۱۵، صص ۲۰۳ تا ۲۲۸؛ محمد جعفری و لزگی، ۱۳۹۵، شماره ۱۵، صص ۲۰۳ تا ۲۲۸) اما نمی‌توان با اطمینان این اخبار را به مدائنی نسبت داد؛ زیرا وی در خصوص ازدواج و طلاق‌های اشخاص و بزرگان، آثار جداگانه و مستقلی نگاشته است که عبارتند از: «اخبار مناکح الاشراف و اخبار النساء»، «مناکح [مناکح ازواج العرب]»، «مناکح آل مهلب»، «مناکح الفرزدق»، «مناکح زیاد و ولده و دعوته [ادعیا]»، «المردفات [من قریش]»، «من کره مناکحته»، «من تزوج من نساء الخلفاء» و نظایر آن؛ (ندیم، بی تا، ص ۱۱۴، ۱۱۵ و ۱۱۳) اما وی درباره امام حسن (ع) در خصوص ازدواج‌ها و طلاق‌های امام حسن (ع) کتابی تدوین نکرده است. با توجه به اتهام عثمانی بودن مدائنی امکان انتساب چنین گزارش‌هایی به وی می‌تواند نادرست باشد.

مدائنی گزارش‌هایی از امامت امام سجاد (ع) و امام باقر (ع)، دیدار هارون الرشید با امام کاظم (ع) و ولایتعهدی امام رضا (ع) (مرادی نسب، ۱۳۹۶، ص ۲۹۴- ۱۶۶) را نقل کرده است که رویکرد و نگاه منصفانه وی به خاندان رسول اکرم (ص) را نمایان می‌سازد.

## ۲. رویکرد مدائنی به مسائل اجتماعی

رویکرد مدائنی از منظر اجتماعی برخاسته از باورهای دینی و ارزش‌های جامعه است که به تبیین رویدادها توجه داشته است، به طوری که وی به مسائل اجتماعی از جمله به خواص جامعه، مسائل زنان و جایگاه آنان، دشمن شناسی را می‌توان نام برد که به این موضوعات پرداخته است.

### ۱-۲) توجه به خواص جامعه

مدائنی توجه ویژه‌ای به خواص جامعه عصر نبوی و خلفا داشته است و آثار جداگانه‌ای درباره‌ی اشخاص تاثیرگذار بر جامعه اسلامی را گزارش کرده است. وی شرح حال بیش از پنجاه تن از شخصیت‌های تاثیرگذار و نافذ در جامعه اسلامی را بدون توجه به جهت گیری‌های سیاسی یا مذهبی آنان نقل کرده است. وی درباره افراد خاندان عبدالمطلب، ابوطالب، عباس، خلفای نخستین، سفیانیان، امویان و عباسیان تا زمان معتصم کتاب تدوین کرده است. (ندیم، بی تا، ص ۱۱۴) اگرچه در منابع متقدم شرح حال اجمالی از برخی از این افراد آمده است؛ اما مدائنی نخستین فردی است که درباره «اخبار ابوطالب و ولده»، «فضائل محمد بن حنفیه» و «فضائل جعفر بن ابی طالب» و برخی دیگر به طور مستقل و جداگانه کتاب نوشته (ندیم، بی تا، ص ۱۱۴؛ حموی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۳۱) و فتح بابی در نگارش چنین آثاری با توجه به دیدگاه مذهبی اش داشته است. به پیروی از مدائنی، مؤلفان بعدی مانند: ابن مدینی علی بن عبدالله (م ۲۳۴ق) و جلودی عبدالعزیز (م ۳۳۲ق) را می‌توان نام برد. (نجاشی، بی تا، ص ۲۴۲؛ باشا بغدادی، بی تا، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۶۷۰؛ اتان گلبرگ، ۱۳۷۱ش، ص ۴۲۹) هم‌چنین مدائنی نخستین فردی است که کتاب مستقلی درباره «فضائل الحارث بن عبدالمطلب» نگاشت. مدائنی افزون بر این شخصیت‌ها فوق به فضائل شخصیت بسیاری از افراد دیگر جامعه که صاحب نفوذ بوده و از موقعیت اجتماعی و سیاسی برخوردار بوده، پرداخته است از جمله آنان «فضائل عبدالله بن جعفر بن ابی طالب»، «عبدالله بن جعفر بن ابی طالب» و «معاویه بن عبدالله بن جعفر» تألیفاتی داشته است. (مرادی نسب، ۱۳۹۶، ص ۳۱۴ و ۳۱۵)

## ۲-۲) توجه به دشمنان اهل بیت (ع)

مدائنی از معدود مورخان نخستین است که مساله دشمن شناسی در آثارش نمود دارد که برخاسته از رویکرد دینی اوست به همین جهت وی آثاری نو در این زمینه نگاشته است. «اخبار المنافقین» جزء اولین نگاشته‌ها در زمینه دشمن شناسی محسوب می‌گردد. (ندیم، بی

تا، ص ۱۱۳) این اثر ابتدا صفات منافقان در رفتار و گفتار را از زبان پیامبر اکرم (ص) بیان کرده و در ادامه به مصداق‌شناسی و نام آنان پرداخته است. در حقیقت رویکرد مدائنی با تالیف این کتاب، یک رویکرد دشمن‌شناسانه است که بر بصیرت‌افزایی افراد نسبت به منافقان را ذکر کرده است. «کتاب تسمیه الذین یوذون النبی و تسمیه المستهزئین الذین جعلوا القرآن عضین» (همان) وی به ثبت نام افرادی که آن حضرت را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند و نیز کسانی که ایشان را مورد سُخره می‌گرفتند که این اعمال بیشتر در گفتار و افعال آنان نمود داشت، پرداخته است.

مدائنی کتاب «الخونه لامیرالمومنین (ع)» (طوسی، ۱۴۱۷، ص ۱۶۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۶۵، ص ۱۴۷۹؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۷۷) را نگاشت که اولین اثر در این زمینه است به بازشناسی خیانتکاران به امیرالمومنین علی (ع) و شرح حال افراد همراه، کارگزار و وابسته به حاکمیت آن حضرت پرداخته و نحوه خیانت آنان را بیان کرده است. برای نمونه، یزید بن حجیه کارگزار حضرت علی (ع) در ری بود که حضرت او را درباره اموال بازخواست کرد، یزید اموال بیت المال را برداشت و فرار کرد و سپس به معاویه پیوست. (زبیر بن بکار، ۱۳۷۴ش، ص ۵۷۵ و ۵۷۶. ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۶۵، ص ۱۴۷-۱۵۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۶۲) این رویکرد مدائنی به رخدادهای تاریخی سبب شد که پس از وی نیز برخی به این موضوع اهمیت داده و آثاری پدید آورند. برای نمونه تقفی (م ۲۸۳ق) نام افرادی را که از امیرالمومنین علی (ع) جدا شده‌اند در کتاب الغارات آورده است. (تقفی، بی تا، ج ۲، ص ۵۲۱) ابن ابی الحدید معتزلی از بزرگان اهل سنت در قرن هفت، فصلی با عنوان «منحرفین عن علی (ع)» آورده و شرح حال برخی از خیانت‌کاران به آن حضرت را به اجمال آورده است. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۷۴-۱۱۱) مدائنی در اثری دیگر با عنوان «کتاب بنی ناجیه و الخریة بن راشد و مصقله بن هبیره» (ندیم، بی تا، ص ۱۱۵؛ حموی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۳۴) به شخصیت این افراد و خیانت آنان پرداخته است. توضیح

اینکه خریّت از پیشگامان در جنگ جمل و صفین همراه حضرت علی (ع) بود؛ اما در جریان حکمیت به معاویه پیوست و با حملات خود به شهرهای تحت نفوذ آن حضرت به کشتار و غارت مردم پرداخت. امام علی (ع) به معقل بن قیس نامه نوشت که او را پیدا کند و به قتل برساند. مصقله از قبیله بکر بن وائل، از فرماندهان، از مردان سپاه حضرت علی (ع) و از والیان آن حضرت بر نواحی اهواز و فارس بود که حضرت به ایشان نامه نوشت و در جنگ صفین به یاری امام شتافت. امام از وی درخواست حسابر سی اموال را کرده بود؛ اما در رویداد حکمیت، او نیز به معاویه ملحق شد و حضرت علی (ع) به خاطر خیانتی که کرده بود، فرمان داد تا خانه‌اش را ویران کنند. (نهج البلاغه (عبده)، خطب)

نمونه دیگر، مدائنی در کتاب «عبدالله بن عامر [بن کریز] حضرمی» (ندیم، بی تا، ص ۱۱۵؛ حموی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۳۴؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۳۰) پس از پرداختن به شخصیت و نسب وی (پسر دائی عثمان بن عفان) به خیانت‌های وی نسبت به امیرالمومنین علی (ع) اشاره می‌کند. عبدالله بن عامر از طرف خلیفه والی فارس شد و در فتوحات شرق جهان اسلام شرکت داشت و از کسب غنائم صاحب ثروت زیادی شد. با خلافت امیرالمومنین (ع) وی که والی بصره بود، اموال بیت المال را برداشت و به مکه رفت، و به مخالفان حضرت پیوست. وی طلحه، زبیر و عایشه را کمک کرد و به یاری آنان پرداخت. بعد از صلح امام حسن (ع) و رسیدن معاویه به خلافت، او بار دیگر حاکم بصره شد. (تقفی، بی تا، ج ۲ ص ۳۹۸ تا ص ۴۰۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۲۳ تا ۴۳۲؛ طبری، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۱۰)

### ۲-۳) توجه به موضوع زنان

مدائنی از جمله مولفانی است که درباره زنان کتاب‌هایی جداگانه تدوین کرده است. تالیفات وی درباره زنان بیانگر توجه وی به موضوع زنان در جامعه‌ی خشن عربی است. وی به جایگاه زنان در عصر جاهلیت و اسلام و پیوندهای زناشویی که به دلایل سیاسی و

اجتماعی بین قبایل برقرار بوده، توجه کرده و آثار مستقلی در این خصوص نگاشته است. (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۱۷)

وی درباره پر رنگ کردن برخی مسائل اجتماعی زنان پیشگام است. او آثار مستقلی درباره‌ی نوع حجاب و عدم پوشش زنان نگاشته است از جمله آنها «کتاب النساء اللاتی لم یکن مستترات» (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۱۷) است؛ وی به علل رویگردانی برخی زنان از ازدواج «کتاب من کره (کرهت) مناکحته» (ندیم، ص ۱۱۴؛ حموی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۳۳؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۳۰) را نگاشت؛ وی با توجه به طلاق‌های عاطفی «کتاب من میل عنها زوجها» و عواملی که منجر به قتل شوهران از سوی همسران آنان شده است «کتاب من قتل عنها زوجها» نگاشته است. □□ مدائنی هم‌چنین کسانی که از ازدواج با مردی نهی شدند امام آن زن ازدواج کرد که «کتاب من نهیت عن تزویج رچل، فتزوّجته» (ابن ندیم، بی تا، ص ۱۱۴؛ حموی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۳۳) را نوشت. یا کسانی که همسرانشان را سرزنش می‌کردند در باره آنان با عنوان «کتاب من هجاها زوجها» نگاشت. (ندیم، بی تا، ص ۱۱۶؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۴۰۳؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۳۰) این آثار رویکرد وی را نسبت به زنان جامعه آن عصر نشان داده است.

### ۳) رویکرد مدائنی به ادبیات

مدائنی با نگارش کتاب‌های ادبی میان تاریخ و ادبیات ارتباط نزدیکی برقرار کرد و این نگارش‌ها بر اساس همان رویکرد مدائنی است که به ارزش‌های اجتماعی جامعه توجه داشته و به تبیین سطح فرهنگی و دانش جامعه آن عصر پرداخته است. وی توانست از نبوغ خود افزون بر تاریخ و سیره از ادبیات آن عصر بهره‌گیرد به خصوص که به شعر و شاعران نیز توجه داشت و در آثار خود از آنان استفاده کرده است. مدائنی به شعرا به عنوان افرادی که با کلامشان بر جامعه تاثیرگذار بودند، توجه داشته است و در خصوص شاعران تاثیرگذار آثاری جداگانه خلق کرده است. (ندیم، بی تا، ص ۱۱۶) امروزه همین تاثیرگذاری اشعار



شاعران در فرهنگ و تمدن اسلامی نمود یافته است و نقش آنان را در اعتلای فرهنگ اسلامی دید.

مدائنی نخستین فردی است که در باره ادبیات شعری، شاعران، تمثیل و مانند آن توانست تالیفاتی جداگانه داشته باشد که در نوع خود جدید است از جمله آنها: کتابهایی مانند «کتاب مَن افترَضَ [له] مِنَ الاعرابِ فی الدیوانِ فَتَدَمَّ و قال شعراء»، [فریضه یعنی حقوق، شهریه. کسی از اعراب که حقوق ماهانه‌اش را از دیوان گرفته، پیشمان شده و درباره او شعری خوانده شده، کتاب نگاشت.] «کتاب مَن تَمَثَّلَ بشعر فی مَرَضه»، «کتاب الابیات التي جوابها الکلام»، «کتاب مَن وقف علی قبر فَتَمَثَّلَ بشعر»، «کتاب مَن قال شعرا علی البداهه»، «کتاب مَن قال شعرا فسُمِّيَ به»، «کتاب تفضیل الشعراء بعضهم علی بعض»، «کتاب مَن قال شعرا و أُجیبُ بکلام» و «کتاب اخبار الشعراء» (ندیم، بی تا، ص ۱۱۶) و مانند آن را نوشت. در مجموعه‌های کهن ادبی مانند عیون الاخبار (ابن قتیبه، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۲ و ۴۱۹؛ ج ۴، ص ۱۵)، البیان و التبیین (جاحظ، ۱۳۴۵، ص ۱۵۶)، الاغانی (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۳۹، ۲۲۵؛ ج ۳، ص ۲۳۲، ج ۸، ص ۴۲۳؛ ج ۹، ص ۱۸۹؛ ج ۲۴، ص ۲۴۳) و کتابهای دیگر برخی از گزارش‌های مدائنی را بی آنکه آنان یادی از نام کتاب او کنند، آورده‌اند.

نگارش کتابهای ادبی مدائنی نشان از نبوع و علاقه شعری وی دارد که موضوعات اساسی اجتماعی، فرهنگی و ادبی را در قالب تاریخ، اشعار و تمثیل پیوند داده و آن را گزارش کرده است

همین رویکرد را در برخی از کتابهای دیگر وی می‌توان دید. نخستین نگارش مستقل دیگر مدائنی تألیف کتابی به نام «التعازی»: جمع تعزیه، یعنی تغزیه و تسلیت‌نگاری که تنها کتاب باقی مانده که چاپ شده است که به برخی از حاکمان و وابستگان آنان و افرادی که درگذشتند و افرادی که عرض تسلیت به آنان گفته و مورد دلداری قرار گرفته‌اند را آورده

است. (ندیم، بی تا، ص ۱۱۶) وی در این کتاب نیز به گزارش‌های تاریخی نیز اشاره کرده است که در آن وقتی از جنگیدن فرزندان خود در صحنه نبرد و شهادت آنان خبردار می‌شوند، خانواده آنان در برابر این شهادت خداوند را سپاس می‌گویند به عنوان نمونه گزارش مدائنی در باره سه تن از برادران- عموی جویره بن اسماء بن عبیده- از بنی قتیبه که در جنگ تستر - در زمان خلافت خلیفه دوم- حضور داشتند و به شهادت رسیدند را گزارش کرده است و در ادامه گوید که روزی مادر آنان برای انجام کاری به بازار رفت و با مردی که در جنگ تستر حضور داشت، برخورد کرد. وی آن مرد را شناخت و در باره فرزندان او سوال کرد. آن مرد گفت که آنان در جنگ شهید شدند، مادر آنان پرسید؟ آنان (فرزندان من) از حمله کنندگان در جنگ بودند یا از فرارکنندگان از جنگ. آن مرد پاسخ داد: آنان از حمله کنندگان در جنگ بودند که در اثنای درگیری به شهادت رسیدند. وقتی زن آن سخن را شنید، خدای را شکر کرد و گفت که فرزندانم به رستگاری رسیدند. (مدائنی، ۱۴۲۴، ص ۲۵ و ۲۶) همین موضوع کتاب مدائنی سبب شد تا پس از وی مؤلفانی مانند ابن مدینی، ابن عدی، برقی، مبرد (با شا بغدادی، بی تا، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۲۸۲؛ همو، بی تا، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۶۷) و دیگران در این موضوع کتاب جداگانه‌ای نوشته‌اند که می‌توان گفت که به نوعی توجه به ادبیات و فرهنگ تسلیت‌نویسی است.

#### ۴) رویکرد مدائنی به قبیله گرائی

مدائنی به تاریخ اجتماعی اقوام توجه داشته است و تألیفاتی در باره اعراب و قوم‌گرائی دارد که نشانگر آن است که رویکرد وی بیشتر به تاریخی اجتماعی آنان است که به دفاع از قوم عرب و ویژگی‌های آنان مانند: شجاعت، مردانگی و سخاوت را نمایان ساخته است. وی در اینگونه نگارش‌ها به نسب قبیله و تفاخر به آن و خصومت با غیر عرب‌ها پرداخته است که رویکرد وی را به این موارد نشان داده است.

قبیله‌گی و قوم‌گرایی در فتح شهرها بیشتر نمایان است؛ زیرا بسیاری از محدثان و اخباریان درباره قبایل از جمله قبیله قریش کتاب‌های تک‌نگاری در باره آنان و فضائلشان نوشته‌اند که این نوعی از پرداختن به تاریخ و شعبه‌ای از تاریخ‌نگاری است. اگر چه تالیفات او در این موضوعات از بین رفته است؛ اما گزارش‌های آن را می‌توان در منابع دیگر یافت. وی با نگارش عناوین «کتاب نسب قریش و اخبارها»، «کتاب فضائل قریش»، «کتاب جوابات [جوابات قریش، جوابات مضر، جوابات ربیعہ و...]»، «کتاب اخبار ثقیف»، «کتاب اشراف عبدالقیس»، «کتاب من فضل الاعرابیات علی الخضریات»، «کتاب مفاخره العرب و العجم» و «کتاب مفاخره اهل البصر و اهل الکوفه» (ندیم، بی تا، ص ۱۱۵) رویکرد خود را نسبت به قوم عرب و وابستگی خود را به آنان نشان داده است. در این رویکرد نظام و تاریخ اجتماعی وی با نگارش کتاب‌های فوق نمایان است حتی به برتری عرب‌ها بر غیر آنان پرداخته است.

### نتیجه‌گیری

مدائنی از اخباریان قرن سوم است که تألیفات او از بین رفته و اندکی از آنها به دست ما رسیده است، اما گزارش‌های وی در منابع مختلف آمده که رویکرد نوی وی را به تاریخ نمایان ساخته است. رویکرد وی در موضوعات مختلف در تاریخ برگرفته از اطلاعات گسترده درباره موضوعات مختلف از محدثان و اخباریان پیش از خود است و همین سبب تخصص وی در تاریخ‌نگاری اسلامی شده و توانسته شعباتی را بر تاریخ‌نگاری اسلامی بیفزاید. رویکرد مدائنی به نگارش تاریخ در سیره رسول اکرم (ص) با تمام جزئیات نشانگر توجه ایشان به شخصیت شخیص پیامبر اکرم (ص) است که گفتار و رفتار ایشان برگرفته از سرچشمه وحی است. توجه وی به امامان شیعه به سبب جایگاه و مقام والائی آنان است که تاثیر گذار در جامعه اسلامی بوده و هستند. هم‌چنین توجه وی به شخصیت‌های تاثیرگذار دیگر بر جامعه اسلامی در نگارش او مشهود است. افزون بر آن توجه به مسائل اجتماعی، فرهنگی و مردم‌شناسی رویکرد وی، به این نوع تألیفات بیشتر تحت تاثیر از راویان عراقی

است. به عنوان نمونه رویکرد اجتماعی وی قبیله‌گرائی است که در تدوین کتابچه‌ها او نمایان است. وی با توجه به اشخاص شاخص جامعه، دشمن شناسی، توجه به موضوع زنان از دیدگاه جامعه‌شناسانه به رویدادهای تاریخی پرداخته و درباره آنها رساله نگاشته است. توجه به فرهنگ جامعه آن عصر سبب شد تا درباره تاریخ خلفاء، ادبیات شعر و شاعری آن عصر آثار متعدد و متنوعی تدوین نماید. وی در نگارش تاریخ، رویکردی مردم‌شناسانه داشته و به صفات مردم عصر خود و قبل از آن نیز توجه کرده است و با همین رویکرد به جامعه‌شناسی از لحاظ فرهنگی پرداخته و درباره آداب اقوام عرب رساله نوشته است. امری که افزون بر بدیع بودن آن سبب شناساندن روحیات اقوام مختلف شده است. مدائنی با تدوین موضوعات مختلف و زیر شاخه‌های آن در رشد انواع تاریخ‌نگاری اسلامی که مظهر فرهنگ تمدن اسلامی است نقش اساسی داشته است. از این روی نگارش مدائنی در تاریخ بیشتر درباره موضوعات مختلفی - مانند سیره، تاریخ خلفا، مغازی، فتوح، احداث، فضائل اهل بیت، شخصیت‌ها (مردان و زنان)، مسائل اجتماعی و ادبیات (شعر و شاعران) و غیره - است.

## مأخذ

قرآن

نهج البلاغه، عبده،

۱. ابن حجر، احمد، ۱۳۹۰، *لسان المیزان*، چاپ: الثانية، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بی تا، *معالم العلماء*، قم، بی نا.

۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۳۷۸، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق، محمد أبو الفضل ابراهیم، چاپ اول بیروت، دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه. توضیحات: مؤسسه مطبوعاتی إسماعیلیان.

۴. ابن تغری، یوسف، بی تا، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي*.

۵. ابن سعد، محمد، بی تا، *الطبقات الكبرى*، بیروت، دار صادر.

۶. ابن قتیبۀ عبدالله بن مسلم، بی تا، *عیون الاخبار*، بی جا، بی نا.

۷. ابن عساکر، علی، ۱۴۱۵، *تاریخ مدینۀ دمشق*، تحقیق، علی شیری، بیروت: دار الفکر.

۸. ابو الفرج اصفهانی، علی، ۱۳۸۵، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق، تقدیم و اشراف، کاظم المظفر، چاپ دوم، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة ومطبعتها. توضیحات: قم، مؤسسه دار الكتاب للطباعة والنشر.

۹. ابو الفرج اصفهانی، علی، ۱۴۱۵، *الاغانی*، چاپ اول، بیروت، دار احياء التراث العربي.

۱۰. اتان گلبگ، ۱۳۷۱ش، *کتابخانه ابن طاووس*، تحقیق و ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی، صدرا.

۱۱. اردبیلی، محمد بن علی، ۱۴۰۳، *جامع الرواة*، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۲. امین، محسن، بی تا، *اعیان الشیعه*، تحقیق و تخریج حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، [بی تا].

- ١٣ آبي، منصور، ١٤٢٤، *نثر الدر في المحاضرات*، تحقيق محفوظ خالد عبدالغني، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ١٤ باشا بغدادى، اسماعيل، بي تا، *ايضاح المكنون*، تحقيق و تصحيح، محمد شرف الدين يالتقايا، رفعت بيلگه الكليسى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- ١٥ باشا بغدادى، اسماعيل، بي تا، *هدية العارفين*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- ١٦ بدرى محمد فهد، ١٩٧٥م، *شيخ الاخباريين ابوالحسن مدائنى*، نجف، مطبعة القضاء.
- ١٢ بغدادى، خطيب، ١٤١٧، *تاريخ بغداد*، كوشش عبدالقادر، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ١٣ بلاذرى، احمد، ١٤١٧، *انساب الأشراف*، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى، ط الأولى، بيروت: دارالفكر.
- ١٤ بيهقى، احمد بن الحسين، ١٤٠٥، *دلائل النبوه*، تحقيق و... الدكتور عبد المعطى قلعجى، چاپ الأولى، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ١٥ ثقفى، ابراهيم، بي تا، *الفارات*، تحقيق، السيد جلال الدين الحسينى الأرموى المحدث. توضيحات: طبع على طريقة أوفست فى مطابع بهمن.
- ١٦ جاحظ، عمرو، ١٣٤٥، *البيان و التبئين*، الطبعة الاولى، مصر، المكتبة التجاربه لصاحبها مصطفى محمد، المطبعة التجاربه الكبرى.
- ١٧ جعفرىان، رسول، ١٣٨٧ش، *منابع تاريخ اسلام*، چاپ سوم، قم: انتشارات انصاريان.
- ١٨ حموى، ياقوت، بي تا، *معجم الادباء*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- ١٩ ذهبى، محمد، ١٣٨٢، *ميزان الاعتدال*، تحقيق على محمد البجاوى، چاپ اول، بيروت، دار المعرفة للطباعة و النشر.
- ٢٠ ذهبى، محمد، ١٤١٣، *سير اعلام النبلاء*، تحقيق و تخريج و تعليق شعيب الأرنؤوط، چاپ نهم، بيروت، مؤسسه الرساله.
- ٢١ ذهبى، محمد، ١٤٠٧، *تاريخ الاسلام*، تحقيق، عمر عبدالسلام تدمرى، چاپ اول، بيروت، دارالكتاب العربى.

- ۲۲ زبیر بن بکار، ۱۳۷۴ش، *الاحبار الموقفیات*، محقق عانی، سامی مکی، قم، الشریف الرضی.
- ۲۳ زرنندی، محمد بن یوسف، بی تا، *معارج الوصول الی معرفه فضل آل الرسول (ص)*، تحقیق، ماجد بن احمد العطیه، بی جا، بی نا.
- ۲۴ سمعانی، عبدالکریم، ۱۴۰۸، *الانساب*، تحقیق، تقدیم و تعلیق، عبد الله عمر البارودی، چاپ اول، بیروت، دار الجنان.
- ۲۵ صفدی، خلیل بن ابیک، ۱۴۲۰، *الوافی بالوفیات*، تحقیق احمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار إحياء التراث.
- ۲۶ طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۷، *الفهرست*، تحقیق: شیخ جواد قیومی، چاپ الأولى، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، مؤسسه نشر الفقاهة.
- ۱۲ عزیزی حسین، ۱۳۹۱ش، *نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری با رویکرد فتوح ایران*، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۳ محمد بن حبیب بغدادی، بی تا، *المنمق فی اخبار قریش*، تحقیق خورشید احمد فاروق.
- ۱۴ محمد بن حبیب بغدادی، ۱۳۶۱ش، *المحبر*، بی جا، مطبعة الدائرة.
- ۱۵ مرادی نسب، حسین، ۱۳۹۶، *اخبار اهل بیت (علیهم السلام) در میراث مکتوب مدائنی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۶ مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۴، *مروج الذهب*، چاپ دوم، قم، منشورات دار الهجرة.
- ۱۷ مدائنی، علی بن محمد، ۱۴۲۴، *التعازی*، تحقیق صالح، ابراهیم، دمشق، دارالبشائر.
- ۱۸ مفید، محمد بن نعمان، ۱۴۱۳، *الارشاد*، قم، کنکره هزاره شیخ مفید.

۱۹ مقریزی، احمد بن علی، ۱۴۲۰، *امتاع الأسماع*، تحقیق، تحقیق و تعلیق، محمد عبد الحمید النمیسى، چاپ الأولى، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون .

۲۰ نجاشی، احمد بن علی، بی تا، *رجال النجاشی*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

۲۱ ندیم، محمد بن اسحاق، بی تا، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، بی جا، بی نا.

۲۲ واقدی، عمر، ۱۴۰۹، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی.

۲۳ یحیی بن معین، بی تا، *تاریخ یحیی بن معین*، بروایه الدارمی، تحقیق الدكتور احمد محمد نور سیف، دمشق، دار المأمون للتراث.

#### مقالات

جعفریان، رسول، ۱۳۷۶، *ابوالحسن مدائنی و آثار او درباره زنان*، مقالات تاریخی دفتر سوم، چاپ اول، قم، نشر الهادی. ص ۳۰۵-۳۱۲.

سالاری شادی علی، ۱۳۹۰ش، *نقد و بررسی روایات ابوالحسن مدائنی در تاریخ طبری*، دوره سوم، مجله پژوهش های تاریخی، شماره ۱ (پیاپی ۹)، ص ۴۹-۷۲.

قنوات عبدالرحیم، ۱۳۹۴ش، «فتوح کهن در تاریخ خراسان مدائنی»، دوره ۶، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۱۹، ص ۱۲۱-۱۳۶.

محمد جعفری رسول و لزگی، علی نقی، ۱۳۹۵ش، «واکاوی و بازپژوهی نقادانه روایات جعلی مطلقیت امام حسن (ع)»، دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی، مجله علمی پژوهشی حدیث پژوهی، شماره ۱۵، صص ۲۰۳ تا ۲۲۸»



مرتضوی، سیدمحمد، ۱۳۸۶، «نقد و بررسی روایات مربوط به مطلق بودن امام حسن(ع)»، مجله الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، (ویژه‌نامه علوم قرآن و حدیث)، شماره ۷۶، صص ۱۲۱ تا ۱۴۵.

□. به عنوان نمونه: «فذكر ابوالحسن مدائنی فی کتاب النساء اللاتی لم یکن مستترات...» (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۵۴)؛ ذهب المدائنی فی کتاب الفتوح... (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۹۷)؛ روى المدائنی فی کتاب الجمل... (همو، ج ۶، ص ۲۱۵)؛ روى المدائنی فی کتاب صفین... (همان، ح ۲، ص ۲۴۶)؛ روى ابوالحسن علی بن محمد... المدائنی فی کتاب الاحداث... (همان، ج ۱۱، ص ۴۶-۴۴)؛ روى مدائنی فی کتاب مقتل عثمان... (ابن قتیبہ، ۱۹۹۲م، ص ۱۹۷)

□□. آنها عبارتند از: امهات النبى، العواتک (کسانی که نامشان عاتکه است)، صفه النبى، اخبار المنافقین، تسمیه المنافقین و من نزل فيه القرآن منهم و من غیرهم، عهود النبى، تسمیه الذین يؤذون النبى، رسائل النبى، کتب النبى الى الملوک و..، اسماء کتّاب النبى، آیات النبى، إقطاع النبى، فتوح النبى، صلح النبى، خطب النبى، المغازی (مغازی النبى)، سرايا النبى، وفود [النبى]، دعاء النبى، خبر الافک، ازواج النبى، عمال النبى على الصدقات، ما نهى عن النبى، اخبار [آباء] النبى، الخاتم و الرسل [النبى]، من کتب له النبى کتابا و امانا، اموال النبى...

□□□. هنگامی که خواهر عمرو از کشته شدن برادرش خبردار شد، گفت: کدام دلاور او را کشت؟ گفتند: علی بن ابی طالب، گفت: مرگ او به دست همتای کریمی مقدر بود، اشک چشمم خشک شود، اگر بر قتل او گریه کنم؛ زیرا برادرم دلاورانی را کشت و با آنان روبرو شد که باید اکنون در این میدان به شمشیر همتای کریمی کشته شود. ای مردم عامر هیچ

فخری بالاتر از این تاکنون نشنیده‌ام، سپس اشعاری سرود. اگر کشنده عمرو غیر کشنده علی(ع) بود باید تا آخر روزگار گریه کنم. ولی کشنده او دلاوری است که در او نقصانی نیست و او را از قدیم، بزرگ شهر می‌خواندند

□□. گزارش‌های این اثر در *مقاتل الطالبیین* ابوالفرج اصفهانی(م ۳۵۶ق) آمده است

□. از جمله آنان: عباس بن عبدالمطلب، عبدالله بن عباس، علی بن عبدالله بن عباس، محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، اخبار ابی طالب و فرزندانش، فضائل محمد بن حنفیه، فضائل جعفر بن محمد، فضائل حارث بن عبدالمطلب؛ فضائل عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، معاویه بن عبدالله [بن جعفر بن ابی طالب] و دیگران را نام برد.

□□. البته احتمال تصحیف یا اشتباه نساخ در واژه «میل» به «قتل» یا بالعکس است

□□□. مبرد گوید که به سبب مرگ جهضمی اسماعیل بن اسحاق (م ۲۸۲ق) کتاب *التعازی* را نوشت.

